

ردیف	سؤالات	محل مهر یا امضاء مدیر
۱/۵	<p>تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است؟ (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>الف) فلسفه‌ی علوم طبیعی دانش‌های تجربی را مقابل خود قرار می‌دهد و در آن‌ها به تعمق می‌پردازد. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p> <p>ب) در فیزیک چیزها را از لحاظ خواص ماده بررسی می‌کنیم. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p> <p>ج) فلسفه‌ی سقراط را باید در زندگی او جست و جو کرد. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p> <p>د) رساله‌ی «درباره طبیعیات» یکی از آثار افلاطون است. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p> <p>ه) اگر عقیده‌ی پروتاگوراس درست باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند به تعلیم دیگران بپردازد. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p> <p>و) به عقیده اپیکوریان، انسان نباید از هیچ اتفاقی نگران شود و هیچ درد و رنجی او را آزار دهد. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ</p>	
۳/۷۵	<p>جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید: هر جای خالی (۰/۲۵ نمره)</p> <p>الف) دیدگاه رواقیون درباره انسان بود.</p> <p>ب) دو رساله‌ی مهم افلاطون در باب شناسایی عبارت از و است.</p> <p>ج) از نظر افلاطون خطاپذیری معرفت ضامن و به امور پایدار تعلق داشتن آن، ضامن است.</p> <p>چ) از نظر پروتاگوراس معیار همه چیز است.</p> <p>ح) زادگاه فلسفه‌ی یونانی بخشی از سرزمین یونان به نام بود.</p> <p>خ) عبارت «هیچ‌کس دانای از نیست» پاسخی بود که به سوال کرفون داده بود.</p> <p>د) نگاه فلسفی نگاهی است.</p> <p>ر) مهم‌ترین بخش فلسفه نام دارد که به بررسی احوال موجودات از آن جهت که می‌پردازد.</p> <p>ز) دو مسأله‌ی اساسی که بیانگر ارتباط فلسفه و جامعه‌شناسی است و می‌باشد.</p> <p>ژ) کلمه «فیلوسوفوس» به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم به خود گرفت.</p>	
۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵	<p>به سؤالات زیر پاسخ دهید؟</p> <p>الف) دو مورد از مسائل فلسفه اولی را نام ببرید؟</p> <p>ب) سرچشمه‌ی اندیشه‌های رازگونه بشر چگونه بوده و در کجا باید آنها را جستجو کرد؟ (۰/۵ نمره)</p> <p>ج) گرگیاس یکی از سوفسطایی‌های مشهور عهد باستان، در کتابش «درباره‌ی طبیعت» افکار اصلی خود را چنین بیان می‌کند:</p> <p>اولاً:</p> <p>ثانیاً:</p> <p>ثالثاً:</p>	
	صفحه ۱ از ۲	

ردیف	ادامه ی سؤالات	محل مهر یا امضاء مدیر	نمره
۴	سبک و روش افلاطون در مباحث فلسفی چگونه بود و او این روش را از چه کسی فرا گرفت؟		۰/۵
۵	از نظر سقراط، دانش درست و مطمئن چگونه به دست می آید؟		۰/۵
۶	هر یک از موارد زیر را در جدول به شکل مناسب قرار دهید: نمی توانم بدانم - خودشناسی - جهل مرکب - می دانم نمی دانم - ملازم دائمی جویندگان حقیقت		۱
		نمی دانم سقراط	۱
		نمی دانم سوفسطاییان	۲
۷	تعیین کنید در تمثیل غار افلاطون منظور از هر یک از موارد زیر چیست؟ (الف) زندان غار (ب) پرتو آتشی که به درون غار می تابد (ج) اشیاء و انسان های بیرون غار (د) خروج آدمی از غار		۱
۸	جاهای خالی شکل زیر را با توجه به علل ارسطو کامل کنید: (۱ نمره)		۱
۹	به ترتیب بنیان گذار فلسفه ی رواقی و معروف ترین کلبیان را نام ببرید؟		۰/۵
۱۰	اپیکور چه چیزی را بر هر چیز دیگر ترجیح می داد؟		۰/۵
۱۱	هر یک از گزاره های زیر مربوط به کدام گروه است؟ (کلبیان، رواقیون، اپیکوریان) (الف) سعادت واقعی وابسته به پدیده های موقعی و اتفاقی نیست. (ب) خوشبختی صرف نظر کردن از همه ی امور دنیا است.		۰/۵
۱۲	تفاوت رواقیون با افلاطون را در توجه به ادراک حسی بنویسید.		۰/۵
۱۳	دیدگاه عرفانی افلوپین را توضیح دهید؟		۱/۵
۱۴	چرا ارسطو طبیعت را به «کدبانویی شایسته» تشبیه کرده است؟		۰/۵
۱۵	ارسطو به چند نوع خوشبختی معتقد برده و توضیح دهید؟		۱/۵
۱۶	علت غایی را از دیدگاه ارسطو توضیح دهید؟		۱
۱۷	از دید افلاطون، انسان دارای چند بخش است، نام برده و توضیح دهید؟		۱
۱۸	رابطه ی فلسفه و هنر را توضیح دهید؟		۱
۱۹	سوفیست ها چه کسانی بودند و چه عقیده ای داشتند؟		۰/۵

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	الف) ۱-ص، ۲-ص، ۳-ص، ۴-غ، ۵-ص، ۶-غ (هر مورد ۰/۲۵ نمره)	
۲	ب) ۱-مادی، ۲-تئیتوس - جمهوری، ۳-صحت و درستی - دوام و ثبات، ۴-انسان، ۵-ایونیا، ۶-سقراط، سروش معبد دلفی، ۷-ریشه یاب، ۸-مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی - هستند و هستی دارند، ۹-اصالت فرد و اصالت جامعه و انسان و پایگاه طبقاتی او، ۱۰-مغالطه کار.	
۳	الف) ثابت یا متغیر بودن هستی، وجود یا ماهیت، وحدت یا کثرت، چیستی یا ماهیت (ذکر دو مورد کافی است) ب) در میان باورهای دینی مردم مشرق زمین ج) اولاً: هیچ چیز وجود ندارد. ثانیاً: به فرض وجود برای انسان شناختنی نیست. ثالثاً: اگر برای انسان شناختنی باشد نمی توان آن را به دیگران تعلیم داد.	
۴	گفتگوی عقلی یا دیالکتیک - سقراط	
۵	سقراط کوشش می کرد تا نشان دهد که هر چیزی از تعریف ثابتی برخوردار است. و اگر به تعاریف اشیاء برسیم به دانش درست و مطمئنی دست پیدا کرده ایم.	
۶	نمی دانم سقراط: خودشناسی - می دانم نادانم - ملازم دائمی جویندگان حقیقت. نمی دانم سوفسطاییان: نمی توانم بدانم - جدول مرکب.	
۷	الف) عالم محسوسات، ب) نیروی خورشید، ج) عالم مثال، د) صعود و سیر روح آدمی به عالم شناسایی	
۸	علت های درونی ← علت های بیرونی ← علت مادی علت صوری علت فاعلی علت غایی	
۹	زنون - دیوژن	
۱۰	زندگی دور از جنجال و هیاهو را بر هر چیز دیگری ترجیح می داد.	

۱۱	الف) کلبیان ب) کلبیان
۱۲	رواقیون برخلاف افلاطون که به ادراک حسی اهمیت نمی‌داد، تمام فلسفه‌ی خود را بر ادراک حسی مستقر کردند.
۱۳	افلوپین معتقد بود که جهان هستی در میان دو قطب قرار گرفته است. در یک قطب نور خدایی قرار دارد که او غالباً آن را «احد» می‌نامد. و قطب دیگر نیز در تاریکی و ظلمت است. که نور احد به آن نمی‌تابد.
۱۴	زیرا هر چیزی را که بتواند آن را به چیز مفیدی تبدیل کند دور نمی‌اندازد.
۱۵	ارسطو به سه نوع خوشبختی معتقد بود. نوع اول خوشبختی، زندگی همراه با خوشی و آسایش است. نوع دوم خوشبختی زندگی اجتماعی است که در آن انسان خود را شهروندی آزاد و وظیفه‌شناس احساس کند و خیر جامعه را بر خیر خود مقدم بدارد. اما نوع سوم از خوشبختی که ارسطو آن را برترین نوع می‌داند زندگی همراه با اندیشیدن و تفکر است.
۱۶	علت غایی چیزی است که کار، برای آن انجام می‌شود. علت غایی در مصنوعات بشری انگیزه، هدف و نیت هر فاعلی علت غایی محسوب می‌شود؛ اما در عالم طبیعت میل طبیعی که اشیاء را به سمت نهایی‌ترین صورت سوق می‌دهد، علت غایی است. بنابراین علت غایی یک عامل آگاهانه و سازمان‌دهنده‌ای است که نظم و هماهنگی و هدفداری را در نظام طبیعت تأمین می‌کند. .
۱۷	از نظر افلاطون، انسان همانند جهان، موجودی است دارای دو بخش جداگانه؛ یک بخش بدن، که در تغییر و دگرگونه است و چون در پیوندی ناگسستنی با جهان محسوسات است. دستخوش احوال این جهان خواهد بود و بخش دیگر یک روح جاودانه و مجرد از همه‌ی آثار طبیعت، که بخش اصلی وجود ما را تشکیل می‌دهد.
۱۸	هنر سروکار داشتن با زیبایی و آفرینش است؛ اما بشر حق دارد از حقیقت و ماهیت زیبایی، سوال کند. آیا همه مردم در نگاه به اشیاء و امور، زیبایی آنها را درک می‌کنند؟ چرا بعضی زبان زیبایی و هنری اشیاء را می‌فهمند (مثل شاعران) و بعضی دیگر آن را نمی‌فهمند؟ اینها همه سؤالاتی است که محتاج به تبیین عقلانی است و جای طرح آنها در فلسفه هنر است.
۱۹	پیش از سقراط گروهی پدید آمدند که خود را سوفیست یعنی دانشمند می‌نامیدند. این گروه ادراک انسان را مقیاس حقیقت و واقعیت می‌گرفتند و معتقد بودند هر کس هرچه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است و برای حقیقت و واقعیت، ارزش و اعتباری جدا از ادراک آدمی قائل نبودند.